

هو الله تعالى شأنه العظمة و الاقتدار

ساذج حمد و جوهر ثنا صریر قلم اعلی را لایق و سزاست که ضوضای علما و زماجیر اهل انشاء او را از ندا منع نمود در جمیع احیان در مضممار حکمت و بیان بشأنی متحرک که عوالم غیب کلها از آنحرکت بشطر دوست توجّه نمودند حال مستور است سوف یظهره الله عدلاً من عنده انه لهو الفیاض الکریم این حرکت را سکون اخذ نماید و این ندا را صمت از عقب درناید طوبی از برای نفوسیکه باصغای آن فائز شدند اولئک اهل البهآء و اصحاب السفینة الحمراء الّتی انزل الله ذکرها فی قیوم الأسماء لا اله الا هو الفرد الواحد المقتر القدير

سبحانک یا من عند ذکرک سجدت الأذکار و عند اشراق نورک خضعت الأنوار اسألک باسمک الّذی به سخرت الأشياء و فتحت مدائن ملکوت الأسماء بأن تؤید عبادک علی ذکرک و ثنائک و وقفهم علی العمل بما انزلته فی کتابک ای ربّ هذا یومک و فضلته علی الأيام و ذکرته فی الکتب و الزّبر و الألواح اسألک به و بما ینبغی له بأن تنزل من سمآء مشیتک علی عبادک ما یقرّبهم الیک و یعرفهم صراطک و یسمعهم آیاتک و یعلمهم ما انزلته فی کتابک انک انت المقتر علی ما تشآء لا یعجزک شیء و لا یمنعک امر انک انت المقتر القدير ای ربّ صلّ علی اصفیائک و اولیائک الّذین ما منعتهم شئونات الجبابرة عن التّوجّه الیک و ما خوّفتهم الفراعنة عن الاقبال الی شطرك تفعل ما تشآء بقدرتک و تحکم ما ترید انک انت العزیز الحمید

عریضه آنجناب را عبد حاضر در ساحت امنع اقدس عرض نمود و بشرف اصغا فائز گشت اینکه از ارض سؤال نمودی و ما نطق به الحکمآء فی الحقیقه این امور تا حال بتمامه کشف نشده هذا هو الحقّ و ما بعده الا الضلال ولکن حکمای این اعصار نظر بآنکه از تجلیات انوار ظهور قسمت برده اند اعرف از قبلند تا حال عدد سیارات را بتمامه نیافته اند عنقریب کشف میشود و بر عدد سابق میافزاید این علم بحریست بی پایان از برای هر یک از ثوابت سیاراتیست و هر یک از سیارات عالمی است از عوالم پروردگار من یقدر ان یحصی جنود ربک فیها او صنائع عباده فیها روحانیت روح عالم انجیل را مزین نمود ولکن اهلش غافل و در هیماء ضلالت سالکند و بر فراش غفلت نائم از صیحه و صور بشعور نیامده اند و از قبور هوی برنخاسته اند عنقریب جزای اعمال را مشاهده نمایند ان ربک لهو العادل الحکیم

اینکه از روح و سیر او سؤال نمودی ارواح مستقیمه مجرده که مقدّس از شئونات ارضند مرتبی عالم بوده و هستند لعمر الله بعد از صعود مهیمن و محیطند لم یزل و لایزال اینمقام مستور بوده و بخاتم حفظ الهی مختوم و در خزانه عصمت محفوظ لسان از ترجمه عاجز و عقول و افنده از ادراک قاصر مترجم اول که بر صدر عالم مقرر اخذ نموده لسان بوده و او مکرر بر عجز خود اعتراف کرده و آنچه در اینمقام ذکر شد محض فضل و عنایت بوده اینقدر معلوم و واضح گردد که ارواح مقدّسه مجرده که از این عالم بنور انقطاع صعود نمایند سبب بزرگند از برای تربیت عالم و ظهور صنایع و حکم در رتبه اولیه مقصود از ارسال رسل و انزال کتب این بوده یعنی تزکیه نفوس و تصفیه ارواح و تنزیه و تقدیس آن طوبی از برای نفوسیکه الیوم باصغاء حفیف سدره منتهی فائز شده اند و عرف قمیص را ادراک نموده اند ای دوستان امروز روز عمل خالص است و روز ذکر و ثناست جهد نمائید تا فائز شوید بآنچه که عرف هستی از او بدوام ملک و ملکوت استشمام شود قل خذوا کتاب الله بقوه من عنده ثمّ اعملوا ما امرتم به فیه انه لهو الامر الحکیم

و اینکه در باره کسب و معاملات ذکر نمودی این امور در کتاب الهی بمشورت معلّق شده با نفوس مؤمنه مستقیمه مشورت نمایند یعنی در کسب و اقتراف و امثال آن و آنچه ظاهر شود متوکلاً علی الله عمل کنند هذا حکم الله و هذا امر الله طوبی لمن سمع و عمل و ویل للغافلین

و اینکه در باره حقوق ذکر نمودی این مخصوص است بحقّ جلّ جلاله باید بساحت اقدس ارسال شود الأمر بیده يفعل ما يشاء و يحکم ما يريد چون آنجناب سؤال نمودند اینجواب از سماء عنایت نازل اینفقره فرض است بر کل و شرف کل در ادای آنست چه که سبب تطهیر اموال و برکت و ازدیاد نعمت بوده و هست و تا حال ناس از اینفقره غافلند سعی نموده و مینمایند یا از حلال و یا از حرام چیزی ذخیره نمایند و از برای وراثتیکه ثمر آن معلوم نیست بگذارند بگو امروز کلمه الله وارث است چه که مقصود از وارث ابقاء ذکر و اثر بوده و این بسی واضح و معلوم است که قرون و اعصار این اذکار را محو نماید ولیکن هر کلمه‌ئی که از قلم اعلی در باره نفسی جاری شد بدوام ملک و ملکوت باقی و پاینده است اینست فضل اعظم و نعمت کبری من شاء فلیعمل و من شاء فلیترک

ذکر توجه بشطر سجن را نمودند بعد از اشتعال نار ظلم در ارض طاء این ارض هم فی الجمله منقلب مشاهده شد گفتگوهای کاذبه بمیان آمد لذا نظر بحکمت امر بتوقف شد اگر بتدریج توجه نمایند متمسکاً بالحکمة بأسی نیست اقرار در هیچ محل جایز نه متوکلاً علی الله واحد و اثنین عازم شوند در جمیع احوال باید حکمت را از دست ندهند تا ضوضا از آن ارض مرتفع نشود اعمالی را که از قبل بان عامل بوده‌اند باید تغییر ندهند حکمة من الله رب العالمین امروز باید نظر کل بافق اعلی وحده باشد آنچه را بان امر فرماید اوست حکم الله مابین عباد یشهد بذلک من ینطق أنه لا اله الا هو الفرد الخبیر دوستان را تکبیر میرسانیم و به ما یرتفع به الأمر امر مینمائیم و آن اعمال و اخلاقیست که سبب علو و سمو کلمه الله است بین عباد البهاء المشرق من افق سماء فضلی علیک و علی احبائى الذین اقبلوا بالقلوب الى الله المقتدر العزیز المحبوب اماء آن ارض را تکبیر میرسانیم و بعنایات حقّ جلّ جلاله بشارت میدهیم باید کل بکمال تقدیس و تنزیه در لیالی و ایام بذکر حقّ مشغول باشند هر یک از اماء الله که الیوم باصفا فائز و بجواب مؤید او از ورقات فردوس اعلی در کتاب اسماء مذکور و مسطور ان افرحن یا اماء الله طوبی لکنّ و نعیماً لکنّ کم من رجل منع عن الحقّ و کم من امة اقبلت و فازت بعرفان الله العلیّ العظیم حمد کنید محبوب عالمینرا که شما را از مابین اماء برگزید و بطراز عرفان خود مزین نمود البهاء علیکنّ و علی اللائی فزن بهذا المقام العزیز المنیع